



وضعیت اجتماعی - اقتصادی شوستر به روایت لوریمر در دوره قاجاریه

مسعود ولی عرب^۱ / الهام وارسته^۲

چکیده

در استان خوزستان، شهرهای تاریخی زیادی وجود دارد که یکی از این شهرها، شوستر می‌باشد. شوستر در دوره‌های تاریخی بعد از اسلام؛ فراز و فرودهای زیادی داشته است اما در بیشتر زمان‌ها به عنوان مرکز ایالت (استان) خوزستان محسوب می‌شده است. سفرنامه نویسان و جهانگردان متعددی از وضعیت جغرافیایی و اجتماعی شوستر در دوره‌های مختلف تاریخی بعد از اسلام، مطالبی ارائه می‌دهند. در دوره قاجاریه سفرنامه نویسان اروپایی (غربی - شرقی) به ایران سفر کردند و در نوشته‌های خود به شوستر هم پرداخته‌اند. لوریمر یکی از کسانی است که در حدود ۱۹۰۴ - ۱۹۰۷ میلادی مطالب خود را درباره ایران (و همچنین شوستر) ارائه داده است. در این پژوهش از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در نتایج این پژوهش این است که درباره روستاهای تاریخی شوستر که از بین رفته‌اند و مسیر ارتباطی شوستر به شهرهای اطراف توضیحاتی ارائه می‌شود که از بُعد تاریخی و جغرافیای تاریخی بسیار تأثیر اهمیت دارد.

واژه‌های کلیدی: شوستر، لوریمر، سفرنامه‌های تاریخی، دوره قاجاریه.



۱. دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه خلیج فارس بوشهر Masoudvaliarab1397@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ اسلام دانشگاه تربیت مدرس تهران

یکی از ویژگی‌های آثار سیاحان و سفرنامه نویسان و کارکنان اروپایی و آمریکایی (سفیران، نظامیان، ...) در ایران، ارائه اطلاعات بسیار دقیق از اماکن و وضعیت اجتماعی ایرانیان است که عموماً نویسندگان ایرانی در کشاکش اوضاع سیاسی، کمتر به این مباحث می‌پرداخته‌اند. خوزستان از جمله کانون‌های ثروت در ایران برای انگلستان بوده است و شرکت نفت ایران و انگلیس نقش مهمی در انتقال دارایی‌های این سرزمین به بیگانگان داشته است.

در دوران قاجار، فقدان حاکمیت مرکزی مقتدر در ایران دیده می‌شده است و انگلستان و روسیه بیش‌ترین ضربات سیاسی و اقتصادی و البته فرهنگی و اجتماعی را به ایرانیان وارد ساختند. لوریمر به جای خلیج فارس از واژه خلیج در کتابش استفاده کرده است و این خود دلیل بر تعمد نویسنده در عدم استفاده اصطلاح رایج و مرسوم خلیج فارس بوده است و سنگ بنای استفاده بیگانگان و غرض ورزان از اصطلاحات نا متعارف برای منطقه خلیج فارس است.

در زمینه تاریخ شوشتر، خصوصاً در دوره قاجاریه مقالاتی از اینجانب به چاپ رسیده است که می‌توان نگاهی به «تاریخ محلی شوشتر از صفویه تا قاجاریه با تاکید بر نقش علما» را نام برد. (ولی عرب، ۱۳۹۶: ۱۷-۱۵) مقاله دیگری از اینجانب تحت عنوان، علمای معاصر شوشتر و جایگاه علمی و فرهنگی آن‌ها در جهان اسلام به چاپ رسیده است که به طور مفصل به جایگاه روحانیت شیعه در گسترش تشیع در شهرستان شوشتر پرداخته‌ام. (ولی عرب، ۱۳۹۷: ۳۴-۲۱) همچنین در مقالات، «کتابخانه‌ها و مدارس شوشتر در دوره قاجار» (ولی عرب، ۱۳۹۵: ۱۹۸-۱۷۱) و «تحولات سیاسی و اجتماعی شوشتر در دوره قاجاریه» (ولی عرب، ۱۳۹۴: ۱۷۲-۱۵۱) به صورت کامل به اوضاع سیاسی و اجتماعی و فرهنگی این شهر پرداخته‌ام.

شوشتر مرکز استان خوزستان

منطقه شوشتر (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۱۶) بخشی از سرزمین پرشیا (ایران) می‌باشد که متشکل از مناطق دزفول و رامهرمز بوده و در ناحیه شمالی استان خوزستان واقع شده است. جغرافیای فیزیکی، آب و هوا، جمعیت و نحوه حکومت داری منطقه شوشتر در یک بخش تحت عنوان شمال استان خوزستان (خوزستان شمالی) توضیح داده شده است. به علاوه، کشاورزی، تجارت و ارتباطات در بخش دیگری تحت عنوان کلی عربستان بیان شده است: تنها دو موضوع محدودیت‌ها و ویژگی‌های جغرافیایی باقی می‌ماند که در اینجا به اختصار به آن‌ها خواهیم پرداخت.

مرزها: منطقه شوشتر کاملاً در سرزمین پرشیا (ایران) محصور می‌باشد. این منطقه در شمال توسط تپه‌های بختیاری محصور شده است که البته در مسافت کوتاهی در همین راستا گسترده می‌شود تا به ناحیه هموار عقیلی در ساحل رود کارون منتهی گردد؛ مرز انتهایی آن در شرق رودخانه گرگر می‌باشد، به جز ناحیه روبرویی شهر شوشتر که دارای یک خمیدگی به طول ۷ مایل می‌باشد به این دلیل که بتواند روستای بولاتی و نواحی اطراف آن را در برگیرد؛ مرز جنوبی منطقه شوشتر که آن را از منطقه اهواز در خوزستان جنوبی جدا ساخته و دارای مسافت کوتاهی می‌باشد، به مسافت ۵ مایل در چندین نقطه جزیره میاناب را به صورت دندان‌ه ای در قسمت بالایی بند قیر قطع نموده و از آنجا تا ساحل شرقی رود دز امتداد می‌یابد که از آنجا

مستقیماً به نواحی محل سکونت طایفه عنافجه ختم می‌گردد؛ مرز غربی منطقه شوشتر همان مرز شرقی منطقه دزفول در ناحیه خوزستان شمالی می‌باشد که در بخش مربوط به آن ناحیه به آن پرداخته شده است.

ویژگی‌های جغرافیایی: اکثر ساکنین این منطقه در بخش‌های مربوط به عقیلی، روخانه‌های گرگر و شطیط و میاناب ذکر شده و به طور مفصل توضیح داده شده‌اند. تعداد کم دیگری که در بخش غربی شطیط سکونت داشته‌اند، در جدول زیر مورد بیان شده‌اند. با مراجعه به بخش‌های مختلف بیان شده و همچنین با در نظر گرفتن جدول زیر می‌توان نتیجه گرفت که جمعیت این منطقه با در نظر گرفتن شهر شوشتر (۲۰۰۰۰ نفر) و بدون در نظر گرفتن عقیلی و کوچ نشینان (چادر نشینان) ۳۵۰۰۰ می‌باشد. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۱۷)

۱- نام: دمچه.

موقعیت: حدود ۸ مایلی شمال غرب شهر شوشتر.

طبیعت: قطعه زمینی است که تعداد کمی از ساکنان قبلی در آن سکونت دارند به طوری که در آن یک چاه عمیق سنگ کاری شده در ضلع جنوبی واقع شده است و یک اصطبل خراب شده در جلوی آن قرار دارد. چندین پله سنگی به سمت پایین چاه هدایت شده است و ورودی آن با استفاده از یک سازه کوچک پوشیده شده است. اظهارات بیان شده: گفته می‌شود که این اصطبل توسط نظام السلطنه در زمان زمامداری وی بر ایالت خوزستان احداث شده است. در زمانی که هوا به گرمی می‌گروید، برخی از اهالی قبیله شیخ فرهان اسد از قبیله خطیر در این ناحیه اطراق می‌نمودند و در مکانی حدود یک یا دو مال دورتر از شهر شوشتر چاه‌های سطحی جدای از این بقایا و یادبودها احداث می‌کردند.

۲- نام: قلعه ده نُو.

موقعیت: حدود ۸۰ مایلی جنوب و جنوب شرقی شهر دزفول، که فاصله چندانی از ساحل سمت چپی رود دز ندارد که با مکانی که ام واوی نامیده می‌شود همسطح می‌باشد.

طبیعت: یک خانه و چندین اصطبل که متعلق به شیخ فرهان اسد از قبیله خطیر می‌باشد که اخیراً ساکنان و عشیره خود را از این مکان به منطقه لیم خطیر در نزدیکی دز منتقل کرده است: چندین آلونک تابستانی (کلبه) نیز در این محل وجود دارد. این مکان یک دشت گسترده پوشیده از علف می‌باشد که چیزهایی در آن کاشته شده است. در نزدیکی روستا تپه ای وجود دارد که بالای آن مسطح بوده که احتمالاً باقیمانده‌های یک قلعه قدیمی و روزگاری مستحکم می‌باشد. همچنین، در این مکان یک امامزاده نیز وجود دارد که جرجیس نبی نامیده می‌شود.

اظهارات بیان شده: در این محل، گندم و جو بدون بکارگیری آبیاری مصنوعی کشت می‌شود و آب مورد نیاز از یک رود کوچک به نام لوره فراهم می‌گردد که از یک چشمه که در نزدیکی شلگاهی در منطقه دزفول قرار دارد، سرچشمه می‌گیرد. چهار پایان اهلی شامل اسب، قاطر، شتر، الاغ، گاو میش، گاو و گوسفند می‌باشند. در همسایگی این محل ۲۰۰ خانوار در چادر زندگی می‌کنند که دارای ۴۰۰ تنگ می‌باشند که تحت سطله شیخ عبدل حسن شیا و شیخ مطلب، برادران شیخ فرهان می‌باشند.

۳- نام: فَرَج آباد.

موقعیت: حدود ۱۷ یا ۱۸ مایلی جنوب و جنوب شرقی شهر دزفول به سمت شرق منطقه عجیروب. طبیعت: روستایی است که از ۶۰ خانه که دربردارنده شوشتری ها، عرب ها و تعداد کمی دزفولی می باشد، تشکیل شده است. این اهالی حدود ۵۰ اسلحه دارند.

اظهارات بیان شده: در این محل گندم، جو، حبوبات، پنبه، برنج، کنجد، ارزن و ماش کاشته می شوند. حیوانات اهلی شامل اسب، قاطر، الاغ، گاو، میش، گاو و گوسفند می باشند. آب مورد نیاز از رود کوچکی به نام لوره می آید که همین آب به نیز به قلعه ده نو می رود که از کیفیت مطلوبی برخوردار نمی باشد. دو آسیاب در منطقه وجود دارند که یکی از آن ها در خراب بوده و در دست تعمیر می باشد و دیگری در فاصله دو مایلی روستا قرار دارد. در فاصله ده یاردی از حصار (قلعه) روستا مقبره ای وجود دارد که بقعه علی بن موسی الرضا نامیده می شود. این مکان در اصل متعلق به سادات مرعشیه شهر شوشتر می باشد، اگرچه تولیت آن در حال حاضر در اختیار شیخ فرهان اسد از قبیله خطیر می باشد که وی ۲۴ تفنگدار را در روستا گماشته دارد. بقیه املاک متعلق به آقا نظام، پسر آقای رضای آخر، مستوفی شوشتر می باشد که توسط وی خریداری شده است. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۱۸)

۵- نام: آب گرمک.

موقعیت: غرب رود شطیط و شرق روستاهای بیت ساعد و خطیر.

طبیعت: زمینی قابل کشت و عفتار می باشد.

اظهارات بیان شده: این محل متعلق به ساکنین شهر شوشتر بوده و هیچ فردی در آن سکونت ندارد.

۵- نام: گتوند.

موقعیت: در ساحل سمت راستی رود کارون، حدود ۱۲ مایل به سمت شمال و در قسمت غرب شهر شوشتر و ۵ مایلی جنوب شرقی آب بید در منطقه دزفول.

طبیعت: گفته شده است که این شهر دربردارنده ۱۰۰۰ خانوار از ایل هفت لنگ بختیاری می باشد. خانه ها از سنگ و گل ساخته شده اند و سقف خانه ها از آجر می باشد که در این شهر ۲ حمام عمومی و ۱۲ مسجد وجود دارد. این مکان از دو بخش مجزا به نام های سرکی و مال بالا تشکیل شده است که هر کدام تحت اداره یک رئیس جداگانه می باشد. گفته شده است که حدود ۱۵۰۰ تفنگدار در این مکان قرار دارند.^۱

اظهارات بیان شده: این محل متعلق به خوانین بختیاری بوده و احکام حکمران فارسی ایات خوزستان شمالی در آن مکان جاری نمی باشد. در این محل، گندم و جو بدون استفاده از آبیاری مصنوعی کشت می شود و این طور گفته شده است که آب مورد نیاز تنها از یک رودخانه فراهم می گردد. همچنین در این محل حیوانات اهلی بسیاری از جمله اسب، قاطر، الاغ، گاو و گوسفند وجود دارند. گتوند در حدود سال ۱۹۰۲ توسط لرهای دیراکوند غارت گردید.

۱. به گفته برخی منابع دیگر، تنها حدود ۶۰۰ خانوار و حدود ۱۲۰۰ مرد جنگی در گتوند زندگی می کنند.

۶- نام: جَلْکان (جنت مکان).

موقعیت: در ساحل سمت راستی رود کارون، ۹ مایلی شمال شهر شوشتر و ۳ مایلی جنوب شرقی گتوند. طبیعت: این مکان روستایی می‌باشد که از ۲۰۰ خانه شامل بختیاری‌های هفت لنگ تشکیل شده است که به صورت در هم در کنار یکدیگر ساخته شده‌اند. در این روستا حدود ۱۰۰ نفر تفنگدار وجود دارد. اظهارات بیان شده: این مکان متعلق به خوانین بختیاری می‌باشد که آن را در حدود ۲۰ سال قبل از کلانتر شوشتر به کنترل خود در آوردند. در این روستا یک قلعه گلی و چندین درخت خرما وجود دارد. آب این محل از یک رودخانه فراهم می‌گردد و هیچ گونه کشت مصنوعی وجود ندارد. کشت خشک گندم و جو وجود دارد و چهار پایان اهلی شبیه به موارد بیان شده برای گتوند می‌باشد. تخمین درآمد سالیانه کشور پرشیا (ایران) از روستای جلکان ۲۸۰ تومان می‌باشد.

۷- نام: نیسیه

موقعیت: در حوالی ساحل سمت راستی رود شطیط و روبروی بُورکی.

طبیعت: توضیحات داده شده برای آب گرمک.

اظهارات بیان شده: توضیحات داده شده برای آب گرمک.

۸- نام: پَهونده.

موقعیت: در مسیر جاده شهر شوشتر تا کهنک، ۱۶ مایلی شهر شوشتر و ۶ مایلی کهنک.

طبیعت: روستایی است که از ۶۰ کلبه گلی تشکیل شده است که در بردارنده بختیاری‌های هفت لنگ می‌باشد. در این محل یک قلعه کوچک وجود دارد و در فاصله‌ی ۲۰۰ یاردی از سمت شمال چندین درخت کونر وجود دارد. در حالی که در فاصله ۶۰۰ یاردی از سمت جنوب و بر روی جاده، چاهی از آب گوارا وجود دارد که بر روی آن چیزی ساخته شده است.

اظهارات بیان شده: این مکان متعلق به کاظم خان، کلانتر شهر شوشتر می‌بود، اما وی توسط حکمران ایالت خوزستان در سال ۱۹۰۵ میلادی به قتل رسید و اموال او مصادره گردید. مواقعی که گرمای هوا شدت می‌یابد، بسیاری از عرب‌های تحت سلطه شیخ فرهان اسد از قبیله خطیر برای چرای دام خود به اینجا آمده و چاهای سطحی را در مجاری آبی خشک نزدیک روستا احداث می‌کنند. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۱۹)

۹- نام: شاهولی

موقعیت: حدود ۳ یا ۴ مایلی جنوب شرقی فرج آباد

طبیعت: ۲۰۰ خانه در این مکان وجود دارد که برخی از آن‌ها شوشتری، برخی نیز عرب و تعداد کمی نیز دزفولی می‌باشند که از این جمعیت ۱۵ خانواده سابیان می‌باشند. در این محل ۸۰ تفنگدار وجود دارد که ۸۰ نفر از آن‌ها مردان سوارکار می‌باشند و همچنین مردم این منطقه از نظر مهارت در تیراندازی شهره می‌باشند. بعلاوه، در این مکان دو آسیاب وجود دارد که یکی از آن‌ها در ۳ مایلی روستا قرار دارد و دیگری در ۱۰۰ یاردی مرکز روستا واقع شده است که روزانه ۱۲ قران پول نقد و ۶ من آرد به صاحبش می‌پردازد.



اظهارات بیان شده: افراد این محل از حیوانات اهلی مانند اسب، قاطر، الاغ، گاو میش، گاو، گوسفند و بز برخوردار می‌باشند؛ محصولات زراعی این محل عبارت‌اند از: گندم، جو، حبوبات، پنبه، برنج، کنجد، ارزن و ماش. آب این منطقه از رودخانه شوره که احتمالاً شاخی از رود دز می‌باشد، فراهم می‌گردد. یک سوم این روستا متعلق به شیخ فرهان اسد از قبیله خطیر بوده و دو سوم مابقی به قائد عبدالله که فردی ثروتمند و مهمان‌نواز است، تعلق دارد.

۱۰- نام: چَم طاهرخان.

موقعیت: گفته شده است که این محل در نزدیکی ساحل سمت راستی رود شطیط، کمی بالاتر از نیسپه واقع شده است. طبیعت: توضیحات داده شده برای آب گرمک. اظهارات بیان شده: توضیحات داده شده برای آب گرمک.

شهر شوشتر

شهر شوشتر که مرکز اداری ایالت خوزستان شمالی می‌باشد در دورترین نقطه میان‌آب در منطقه حاصل شده از تقسیم شدن رود کارون به دو شاخه خود یعنی رودهای شطیط و گرگر واقع شده است. شوشتر که جغرافی دانان عرب آن را تستر می‌نامیدند، منطقه ای بسیار حاصلخیز در قرن‌های دهم و چهاردهم پس از میلاد بوده است و به نظر می‌رسد که در آن زمان مرکز ایالت خوزستان بوده باشد. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۲۰)

مکان: اکثر قسمت‌های شهر شوشتر بر روی زمین‌های پست و بلند واقع شده است که بیشتر دربر دارنده خاک آبرفتی دشت و صحرا به همراه ویرانه‌ها و خاک‌روبه‌های باقی مانده از سالیان طولانی می‌باشد. اگرچه شوشتر بر رود شطیط مشرف می‌باشد، اما با این حال در نقطه مرکزی شوشتر که جریان آب این رود از غرب به سمت جنوب تغییر جهت می‌دهد، یک صخره بزرگ ماسه سنگی به ارتفاع صد فوت قرار گرفته است که بر روی آن ارگ یا قلعه واقع شده است؛ تنها در این نقطه است که ساحل سمت چپی رود شطیط از شوشتر پایین تر بوده و در نتیجه باعث می‌شود تا در هنگامی که رودخانه در سطح نرمال خود در جریان می‌باشد، ساحلی طولانی از توفال‌ها و تخته‌های چوبی دسته بندی شده نمایان گردد. بر روی رود گرگر، یک بیرون آمدگی ماسه سنگی کمی قبل از سر شاخه رودخانه آغاز شده و تا کمی پایین تر ادامه می‌یابد.

ساختمان‌ها و فعالیت‌ها عمومی: خانه‌های موجود در شهر شوشتر اگرچه بلند بوده و دارای شاخص‌های معماری می‌باشند، اما اکثراً کهنه و مستعمل بوده و بیشتر قسمت‌های شهر خرابه بوده و ویران شده است. اکثر خانه‌ها دارای اتاق‌های زیر زمینی می‌باشند که توسط استوانه‌های عمودی که در اینجا به آن‌ها شوادان گفته می‌شود، روشن شده و هوای داخل آن‌ها تهویه می‌گردد و دارای سقف‌های محجر به ارتفاع ۳۰ فوت از سطح زمین می‌باشند. هر دوی این ظریف کاری‌ها و متعلقات به دلیل ایجاد آسایش در هوای گرم طراحی شده‌اند. زیر زمین در طول روز مأمّن و محل زندگی اعضای خانواده بوده که در هنگام شب به پشت بام منتقل می‌گردد. شرایط بهداشتی شهر که در واقع متأثر از این قضیه می‌باشد که منعی برای گذاشتن فاضلاب و زباله‌های خانگی در خیابان عمومی وجود ندارد، در وضعیت زشت و کثیفی می‌باشد. با این حال، از آنجایی که



سطح زمین در اکثر مناطق دارای فرو رفتگی‌های طبیعی می‌باشد، در اثر باران مسائل مرتبط با بهداشت به جای بدتر شدن همانند آنچه برای دزفول اتفاق می‌افتد، بهبود یافته و سهولت می‌یابند. بازار شامل یک فضای باز بوده که توسط چندین سایبان محاصره شده که به عنوان مغازه از آن‌ها استفاده می‌گردد که این حجره‌ها با بکارگیری تکه‌های دیوارهای خراب شده سر هم شده و در طول روز برای ایجاد غرفه حمایل‌ها و پرده‌هایی در کنار دیوارها تعبیه می‌گردید. از مکان‌های شاخص معماری شهر می‌توان به مسجد جامی که بر روی یک بلندی در نزدیکی پل لشکر به سمت جنوب شهر واقع شده است، اشاره نمود. از دیگر موارد می‌توان به یک مناره بلند که کمی خمیده شده، حدود ۲۰ مسجد که برخی از آن‌ها دارای گنبد‌های کاشی کاری آبی رنگ می‌باشند و همچنین ۱۵ امامزاده و قدمگاه اشاره نمود. یک نکته جالب درباره شوشتر این است که برخی خانه‌ها در شهر دارای اسامی مستعاری می‌باشند که برای کل منطقه به این نام قابل شناسایی می‌باشند. به عنوان مثال، خانه پشه‌ها، خانه بز، خانه خاله خشک (و خانه حواس بیرو) عجله کن برو (که نام آخری) بنا به اعتقادات مردم (به مالکان پیشین که دارای ویژگی‌های خاص زننده و تنفر آوری بودند، اطلاق می‌گردید. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۲۱)

کارهای مهندسی انجام شده در شوشتر در مورد رودهای شطیط و گرگر تحت سه نام قرار می‌گیرند: اما در اینجا باید کانال مینورا که از قسمتی از شهر عبور کرده و تنها کانالی است که آب میاناب را تأمین می‌کند، بیشتر مد نظر قرار داد. این کانال از رود شطیط با یک دهانه حاوی جریان شدید آب در پایین صخره ارگ (قلعه) شروع شده و مسافتی را به صورت زیر زمینی طی نموده و در نهایت در نزدیکی دهانه پل دزفول ظاهر می‌شود: از اینجا با یک چرخش و برش عمیق مسیر خود را به سمت جنوب شهر می‌گشاید که در آنجا از زیر پلی به نام پل لشکر عبور کرده و پس از آن به فضایی باز می‌رسد. میزان تخلیه آب این کانال، مطابق اندازه‌گیری صورت گرفته در ۲۵ م ماه مارس ۱۹۰۵ میلادی در هنگامی که این رود با میزان آبی معادل ۵ فوت کمتر از حداکثر میزان خود در جریان بود، ۹۷۰ فوت مکعب در ثانیه تخمین زده شد؛ عرض دهانه این رودخانه چیزی حدود ۶۰ فوت، عمق آن حدود ۶ فوت و سرعت سطحی (دبی) آن ۵ فوت بر ثانیه اندازه‌گیری شد.

در زمان‌های قدیم سه راه برای خارج شدن از شوشتر وجود داشت: اولین مسیر از سمت غرب و از طریق پل دزفول بوده که اکنون این مسیر به دلیل خراب شدن و ریزش پل مسدود شده و یک قایق مسافربر جایگزین پل شده است. از مسیرهای دیگر می‌توان به جاده پل لشکر^۱ که قبلاً نیز به آن اشاره کردیم، نام برد که به شهر میاناب منتهی می‌گردد و مسیر سوم بند پل بلیتی می‌باشد که به روستای بلیتی که در واقع روستایی است در اطراف شوشتر و در ساحل سمت چپی رود گرگر، و شهرهای بعد از آن منتهی می‌گردد.

ساکنان: جمعیت فعلی شوشتر حدود ۲۰۰۰۰ نفر بوده، اما به نظر می‌رسد که جمعیت این شهر در حال کاهش می‌باشد. اکثریت غالب مردم از یک نژاد دورگه بومی باشند که هیچ نامی برای خطاب قرار دادن آن‌ها وجود ندارد، البته بجز شوشتری‌ها که به یک گویش فارسی مختص خود صحبت می‌کنند که بسیار شبیه به (اما متمایز از) گویش دزفولی‌ها می‌باشد. همه‌ی

۱. بدون شک این جاده به شهر لشکر یا عسکر مکرم، در زمانی که این شهر وجود داشته، منتهی می‌شده است که اکنون این پل بدین نام می‌باشد.



شوشتی‌ها شیعه محمدی هستند: مهم‌ترین شخصیت‌های برجسته که در این شهر همانند دزفول وجود دارند عبارت‌اند از: سیدها، خوانین و مشایخ که تعداد آن‌ها به ترتیب حدود ۱۰۰۰، ۵۰۰ و ۵۰۰ نفر می‌باشد. در این شهر هیچ عربی وجود ندارد و تنها تعداد کمی بختیاری در شوستر زندگی می‌کنند که تنها جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند که در بدنه کلی شوشتی‌ها ادغام نشده‌اند: شاید بتوان همسانی بیشتر جمعیت را نشان دهنده‌ی وجود یک ساختار شهری با سابقه‌تر و طولانی‌تر نسبت به دزفول دانست. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۲۲)

محصولات تولیدی، شغل‌ها و بازرگانی: محصولات تولیدی محلی فراوانی در شوستر ایجاد می‌کردند. برخی از اقلامی که در اینجا تولید می‌شوند عبارت‌اند از: فرش‌های بافته شده از پنبه که گلیم یا هارامیس نامیده می‌شوند، لباس‌های بافته شده برای عبا، عمامه و لباس‌های دور کمر (کمر بند)، کاناوهای پنبه‌ای ضخیم، کت، کلاه و پارچه‌های پشمی (نمد) از پشم حیوانات؛ اشیایی از آهن و مس و بزنز و نقره آلمانی همانند آنچه در دزفول می‌باشد، ظروف سفالی صیقلی، پستی و زین‌های سوار کاری. از شغل‌های دیگری که ربطی به این قبیل محصولات نداشته باشند می‌توان به پخت آجر، درست کردن چسب (آهک)، تهیه تریاک برای مصارف محلی و صادرات، دباغی کردن چرم و رنگرزی لباس‌ها اشاره نمود. بقیه ساکنینی که در هیچکدام از این موارد تولیدی و دیگر شغل‌ها نقشی ندارند، اکثراً به عمده‌فروشی یا مغازه‌داری (خرده‌فروشی)، کارهای مرتبط با کشاورزی یا مذهبی مشغول می‌باشند. بقیه افراد بنا، نجار، استریان و یا جاشو می‌باشند. شوستر در واقع بندر رودخانه‌ای دزفول می‌باشد که از طریق آن همه واردات خود از دیگر نقاط را دریافت کرده و صادرات خارجی خود را نیز ارسال می‌نماید، و همه تاجرات دزفولی کارگزار یا همکارانی در شوستر دارند. برداران لینچ- مسرز یک شرکت تجاری در شوستر دارند و نماینده رسمی آن‌ها در حال حاضر یک فرد ارمنی می‌باشد. روش تجارت بسیار شبیه به روش‌های رایج مورد استفاده در دزفول می‌باشند. یک من در شوستر معادل ۱۵/۴۸۷ پوند انگلستان می‌باشد.

منابع و حمل و نقل: باید بیان داشت که منبع اصلی تأمین آب شوستر نامشخص و نامحدود می‌باشد. منابع اولیه به استثنای سوخت که از عقیلی و جنگل‌های دیز آورده می‌شود، اکثراً از میان آب فراهم می‌گردند: گرچه نمی‌توان اظهار داشت که غذا و علوفه به اندازه فراوان و وافر وجود دارند، اما در سال‌هایی که اوضاع خوب باشد هر دوی این اقلام بسیار یافت شده و ذخایر آن‌ها خیلی زیاد می‌باشد. ساکنین شوستر دارای حداقل ۸۰۰ قاطر می‌باشند که از این تعداد بسیاری از آن‌ها همواره حاضر نیستند؛ یا در حال چرا می‌باشند و یا با کاروان‌ها در سفر می‌باشند. ۲۰ آسیاب آرد بر روی مسیر رودخانه گرگر در حال کار می‌باشند، اما تنها ده تایی آن‌ها می‌توانند در آب و هوای گرم به کار خود ادامه دهند.

تقسیمات شهری (امور دولتی) و درآمدها: شوستر اگرچه از لحاظ وسعت و رفاه از دزفول در رده پایین تری قرار دارد، اما مرکز امور دولتی کشور پرشیا (ایران) در ایالت خوزستان می‌باشد و دارالحکومه حاکم یا فرماندار نیز در این شهر می‌باشد: این تقسیمات بدون شک به دلیل سابقه برجسته تاریخی و همچنین اهمیت استراتژیک آن بخاطر وجود دشت‌ها و تپه‌ها و نیز موقعیت مناسب آن در جهت دسترسی به رودخانه کارون می‌باشد. قلعه یا ارگ که قبلاً به آن قلعه سلاسل گفته می‌شد،

۱. حتی تا همین اواخر نیز یک جانشین فرماندار در شوستر ساکن بوده است: رجوع کنید به مقاله نوشته شده درباره خوزستان شمالی.

اما اکنون به طور متداول تر به آن قلعه حکومتی گفته می‌شود، همان طور که قبلاً ذکر شد، بر روی یک پرتگاه صخره‌ای قرار گرفته است که بر آب‌های بالا دستی و سر چشمه رودخانه شطیط مشرف می‌باشد: کاخ فرماندار در این قلعه واقع شده است که یک انبار مهمات نیز در نزدیکی آن واقع شده است. این قلعه در چندین لایه و حفاظ ساخته شده است و توسط یک دیوار بلند محاصره شده است و این طور به نظر می‌رسد که به جای محافظت از شهر، تهدیدی برای آن قلمداد می‌شود. شاید در رزوگاران قدیم می‌توانست در برابر غارت و حمله دشمن به خوبی مقاومت کند، اما سنگرها و موانع دفاعی آن در حال حاضر یارای مقاومت در برابر تجهیزات جنگی کنونی را نداشته و بی فایده خواهند بود. به علاوه، این قلعه در ناحیه و محدوده کوتاهی توسط خانه‌های واقع شده در حاشیه شهر و در محدوده وسیعی در سواحل دوردست رود شطیط تحت اشراف و تسلط می‌باشد. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۲۳) تعداد نفرات رزمی در پادگان عدد مشخص و ثابتی نبوده و معمولاً بسیار کم می‌باشد. در شوشتر یک اداره پست، اداره تلگراف و یک اداره گمرک متعلق به دولت ایران وجود دارد.

هزینه پرداختی در نظر گرفته شده برای شهر بخشی از مقداری است که برای کل منطقه تخمین زده شده است، اما این مقدار به صورت جداگانه جمع آوری می‌شود. به طور خلاصه می‌توان بیان داشت که این مقدار به صورت هزینه‌های جمعی و کلی برای اصناف تجاری مختلف توزیع شده و هزینه قابل پرداخت برای هر تجارت توسط رئیس آن صنف جمع آوری شده و وی آن پول را به مستوفی^۱ * پرداخت می‌کند. برخی از شغل‌های اساسی عبارت‌اند از: بقال‌ها یا فروشندگان کلی، ۵۰۰ تومان برای هر سال؛ بزازها یا تاجران پارچه، ۲۰۰ تومان؛ عطارها یا خواروبار فروش‌ها و دارو فروش‌ها، ۱۲۰ تومان؛ مسگران و آهنگران، ۱۴ تومان، هرم باف‌ها یا فرش باف‌ها، ۱۵۰ تومان. آسیاب‌های آرد موجود بر روی رود گرگر هزینه‌های سالانه‌ای را به دولت پرداخت می‌کنند که از ۶۰۰ تا ۸۰۰ تومان متغیر می‌باشد؛ این هزینه با استفاده از یک روش دوگانه عجیب جمع آوری می‌گردد. مالکان آسیاب در ابتدا به ازای هر من، یک چارک آرد را برای خود بر می‌دارند و فراش حکومت (فراش باشی) نیز به ازای هر من، دو سیاه پول را به صورت نقد از مالک آرد می‌ستانند. سپس، پول بدست آمده از افرادی که از یک آسیاب خاص حمایت کرده و درآمد داشته‌اند در پایان هفته جمع شده، و مالک آسیاب موظف است تا به ازای هر یک قران که توسط دولت از مشتری‌هایش جمع آوری کرده است، یک من آرد را به دولت بدهد. در حال حاضر، فرماندار از حق امتیاز استفاده از یک گذرگاه بر روی جاده دزفول برخوردار می‌باشد که در ازای آن سالانه ۶۰۰ تومان به دولت ایران پرداخت می‌کند.

موضوعات سیاسی: شوشتر محل سکونت دو تا قدرتمندترین گروه‌های مجتهد می‌باشد که از مجتهدین دزفول بسیار تأثیر گذارتر می‌باشند: مجتهد اصلی در حال حاضر حاجی سید عبدالصمد می‌باشد که به همراه خانواده‌اش صاحب چندین روستا در حاشیه رودهای گرگر و شطیط بوده و همچنین صاحب چندین خانه در میانآب می‌باشد و ارباب قبیله هردان در خاران می‌باشد. اداره امور خیریه‌های عمومی و همچنین مدیریت حوزه‌های علمیه در اختیار ایشان می‌باشد؛ و قبل از آغاز

۱. در سال ۱۹۰۸ میلادی مستوفی بیان داشت که برآورد مالیات شهر شوشتر و روستاهای چسبیده به آن، ۳۰۰۰ تومان پول نقد و ۱۰۰ کاروان گندم برای یک سال بوده است.



حکمرانی مقتدرانه فرماندار کنونی در سال ۱۹۰۵ میلادی شهر تقریباً توسط آن‌ها اداره می‌شد. علاوه بر مجتهدین، تنها افرادی که در کارهای عمومی حق اظهار نظر و دخالت داشتند برخی از خوانین مهم منطقه بودند. همان گونه که در ذفول یک امام جمعه وجود دارد، در شوشتر نیز یک امام جمعه وجود دارد. در حال حاضر، شوشتر یک مرکز سیاسی طبیعی نمی‌باشد و اگر فرماندار ایرانی و مجتهدین از آن جدا گردند، به احتمال زیاد این شهر در گمنامی خواهد ماند.

میاناب: این مکان جزیره ای در منطقه شوشتر در ایالت خوزستان شمالی می‌باشد که بین دورود شطیط و گرگر که شاخه‌های رودخانه کارون می‌باشند محصور بوده، و در ضلع شمالی آن شهر شوشتر و در ضلع جنوبی آن روستای برد قیر واقع شده است. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۸۲۵)

پوشش گیاهی، محصولات زراعی و دام‌ها: تا شعاع سه مایلی شهر شوشتر درختان کنار و نخل‌های فراوانی وجود دارند؛ در مسافت بیشتری به سمت جنوب، تنها درختانی وجود دارند درختان خرما کشت شده در مزارع روستایی می‌باشند. در فصل بهار، میاناب با پوشش گیاهی کاملاً پوشانده می‌شود و گاهی اوقات علف‌ها به اندازه شکم اسب‌ها بزرگ می‌شوند؛ اما در فصل زمستان هیچ گونه پوشش گیاهی سبز رنگی دیده نمی‌شود، مگر در روستاهای همجوار که در آن‌ها مردم با استفاده از گاواهن چوبی مرسوم در ایالت خوزستان همانند دیگر نقاط توسط اسب، قاطر، گاومیش و حتی الاغ زمین را کشت می‌کنند. در انتهای قسمت شمالی این جزیره، در برخی از برهه‌های زمانی محصولات فراوانی کاشته می‌شود. این مکان همچنین از طریق کانال مینو که از شهر شوشتر می‌آید، آبیاری می‌گردد و حدود یک چهارم این کانال هنوز نیز در حال استفاده می‌باشد که برخی از روستاهایی که از آن بهره می‌برند عبارت‌اند از: روستای کُنار پیر، مهدی آباد، تبتی و پیاره. با این حال، مسافت کل میاناب حدود ۲۷۰ متر مربع بوده و در صورتی که کانال مینو ترمیم گردد و به درستی مورد بهره برداری قرار گیرد، می‌تواند آب مورد نیاز برای کل میاناب را فراهم سازد. اکثر منابع مورد نیاز شهر شوشتر به جز سوخت که کماکان از عقیلی آورده می‌شود، از میاناب فراهم می‌گردد. پرندگانی که در این منطقه شکار می‌شوند عبارت‌اند از: اردک وحشی، مرغابی، نوک دراز، مرغ باران، دراج، با قرقره و کیوتر؛ همچنین در این منطقه شغال و خوک وجود دارد و در روز گاران نه چندان دور حتی شیر نیز در این منطقه می‌زیسته است.

ساکنین: در جنوب، مردم میاناب اکثراً عرب‌های حنفیه هستند و در بقیه جاها اکثراً بختیاری‌های تیره شیرعلی می‌باشند. بقیه جمعیت این منطقه در اکثر مناطق عرب‌هایی هستند که از قبیله خود جدا شده‌اند که عرب‌های میاناب یا شوشتری‌ها نامیده می‌شوند.

ارتباطات: طول جاده زمینی که شهر شوشتر را به بند قیر متصل می‌کند حدود ۳۰ مایل می‌باشد؛ این مسیر مستقیماً از شهر شوشتر تا روستای عرب حسن بر روی رود شطیط کشیده می‌شود که این راه شلوغ تر و راحت تر بوده، اگرچه فاصله آن تا بند قیر نزدیک تر می‌باشد تا به خود شهر شوشتر و پس از عبور از این روستا به بند قیر می‌رسد، البته باید بیان داشت که عبور از این مسیر پس از بارش باران با دشواری همراه می‌باشد. دو مسیر مختلف دیگر نیز مانند مسیر قبلی وجود دارد که یکی از

آن‌ها در تمام مسیر به سمت شرق می‌رود و مسیر دومی بیشتر به سمت غرب بین شهر شوشتر و عرب حسن متمایل می‌باشد که هر دوی این مسیرها بسیار کم مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مکان نگاری منطقه: توضیحات مربوط به روستاهای ساحل نشین میانآب را می‌توان در مدخل‌های مربوط به رودهای شطیپ و گرگر پیدا نمود؛

روستاهایی که در بخش مرکزی میانآب وجود دارند در جدول زیر توصیف شده‌اند و اطلاعات جامع‌تر درباره‌ی جمعیت، کاشت محصولات زراعی و آبیاری در میانآب در ستون اظهارات بیان شده آمده است. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۲۳۶)

۱۱- نام: جدایر

موقعیت: سه مایل و نیم شرق لنگر و دو مایل و نیم جنوب قروآزی در حاشیه رود گرگر
خانه‌ها و ساکنین: ۵۰ خانه گلی و آلونک‌های حصیری متعلق به طایفه ای که مینایی‌ها نامیده می‌شوند و همچنین برخی از خانه‌ها متعلق به شوشتری‌ها می‌باشد. این افراد دارای ۲۰ تفنگچی می‌باشند

اظهارات بیان شده: این روستا متشکل از سه دهکده می‌باشد که هر سه بر روی یک تپه واقع شده‌اند و نام آن برگرفته از کدخداهای آن‌ها یعنی صفا، یارا و مشعل گرفته شده است. چندین چاه در این روستا وجود دارد و دارای چهارپایانی از قبیل ۱۵ قاطر، ۲۰ الاغ، ۱۰۰ گاو و ۵۰۰ گوسفند و بز می‌باشند که آب مردم روستا و حیوانات آن‌ها همگی از آب رود گرگر فراهم می‌گردد. در واقع، روستای جدایر متعلق به سید عبدالصمد، مجتهد شهر شوشتر می‌باشد.

۱۲- نام: کُنار پیر.

موقعیت: ۴ مایلی تقریباً درست در جنوب شهر شوشتر و ۱ مایلی ساحل سمت راستی رود گرگر.
خانه‌ها و ساکنین: ۱۰۰ خانه گلی از طایفه شیرعلی بختیاری که دارای حدود ۶۰ تفنگچی دارند.

اظهارات بیان شده: در این مکان یک امامزاده و یک درخت کنار وجود دارد. آب این محل از رود گرگر بوده که این آب در ماهی بازان تهیه می‌گردد و همچنین چندین آبیاری وجود دارد که از طریق کانال مینو صورت می‌پذیرد. چهارپایان موجود در این منطقه عبارت‌اند از: ۲۰ قاطر، ۸۰ الاغ، ۴۰ گاو میش، ۱۰۰ رأس گاو. ۳۰۰۰ گوسفند و بز. امام جمعه شهر شوشتر مالک این روستا می‌باشد.

۱۳- نام: لَنگَر.

موقعیت: ۱ و نیم مایلی جنوب مهدی آباد.
خانه‌ها و ساکنین: ۱۵ خانه گلی در این منطقه وجود دارد که متعلق به طایفه شیر علی بختیاری‌ها و شوشتری‌ها می‌باشد که دارای ۱۰ تفنگچی می‌باشد.

اظهارات بیان شده: عرب آن را لَنگَرِیه خطاب می‌کنند. آب مورد نیاز برای مردم و حیوانات از چاه‌های موجود در این منطقه فراهم می‌شود و ۶ درخت کنار در این محل وجود دارد. چهارپایان موجود در این منطقه عبارت‌اند از: ۱۵ قاطر، ۱۵ الاغ، ۱۵ گاو میش، ۱۵ رأس گاو. ۲۰۰ گوسفند و بز. این روستا متعلق به امام جمعه شهر شوشتر می‌باشد.

۱۴- نام: مهدی آباد یا مهدیوا.

موقعیت: این مکان در ۳ مایلی جنوب غرب شلیلی بزرگ واقع شده است.

خانه ها و ساکنین: ۲۵ خانه متعلق به طایفه شیرعلی بختیاری و شوشتری ها در این منطقه وجود دارد که دارای ۱۰ تفنگچی می باشد.

اظهارات بیان شده: منبع آب مورد استفاده مردم این مکان چاه های موجود در این منطقه می باشد؛ گاوها برای نوشیدن آب به رودهای گرگر یا شطیط برده می شوند. یک امامزاده وجود دارد که ۸۰ درخت خرما آن را احاطه کرده اند. گندم، جو و حبوبات به وسیله آبیاری که از طریق کانال مینو می آید، صورت می پذیرد. چهارپایان موجود در این منطقه عبارت اند از: ۱۰ قاطر، ۲۰ الاغ، ۱۵ گاو میش، ۶۰ رأس گاو. ۵۰۰ گوسفند و بز. این روستا متعلق به امام جمعه شهر شوشتر می باشد. (لوریمر، ۱۹۸۶ م: ۱۲۳۷)

۱۵- نام: کوت البنیه.

موقعیت: سه مایل و نیم شرق لنگر و دو مایل و نیم جنوب قل رومزی در حاشیه رود گرگر.

خانه ها و ساکنین: ۵۰ خانه گلی و آلونک های حصیری متعلق به طایفه ای که مینایی ها نامیده می شوند و همچنین برخی از خانه ها متعلق به شوشتری ها می باشد. این افراد دارای ۲۰ تفنگچی می باشند.

اظهارات بیان شده: این مکان خالی از سکنه می باشد، مگر در فصول فعالیت های کشاورزی که افرادی در آن سکونت می یابند. این منطقه در بین عرب ها به کوت البنیه متداول می باشد، چرا که گندم و جو در آن کاشته می شود. چهارپایان عبارت اند از: ۱۵ الاغ، ۲۵ گاو میش و ۱۵ رأس گاو.

(یک کوت یا محوطه حصارکشی شده می باشد که شامل یک خانه می باشد که متعلق به شوشتری ها می باشد.)

۱۶- نام: حاجی مُنعم

موقعیت: یک مایل و نیم جنوب غربی کنار پیر و تقریباً حدفاصل بین رودهای گرگر و شطیط.

خانه ها و ساکنین: در این مکان ۱۵ خانه گلی متعلق به طایفه بختیاری شیرعلی و طریف و همچنین برخی شوشتری ها وجود دارد که دارای ۱۰ عده تفنگدار می باشد.

اظهارات بیان شده:

۱۷- نام: تَبَتی.

موقعیت: یک مایلی جنوب شلیلی بزرگ

خانه ها و ساکنین: در این مکان ۲۰ خانه گلی و آلونک حصیری وجود دارد که در حال حاضر فقط ۱۲ تای آن ها دارای سکنه می باشند. مردم این روستا متعلق به طایفه بختیاری شیرعلی و همچنین برخی شوشتری ها می باشند که دارای ۱۰ عده تفنگدار می باشد.



اظهارات بیان شده: آب این روستا از رودخانه گرگر تأمین می‌شود و همچنین در این مکان آبیاری از طریق کانال مینو صورت می‌پذیرد. چهارپایان موجود در این منطقه عبارت‌اند از: ۱۰ قاطر، ۱۵ الاغ، ۵۰ رأس گاو. ۲۰۰ گوسفند و بز. این روستا متعلق به میرزا ظاهر خان، مستوفی شهر شوستر می‌باشد.

لازم به ذکر است که منطقه‌ای در میان‌آب که چندین روستا از جمله بُنه ملا عباس و عدحفه در کناره ساحل رودخانه گرگر را شامل می‌شود، با نام دولت آباد شناخته می‌شود که به احتمال زیاد دلیل این نام گذاری را می‌توان به تمایز قائل شدن آن با روستای دیگری در جوار گرگر که آن هم در منطقه میان‌آب بوده ولی در حال حاضر بدون سکنه می‌باشد، نسبت داد.

نتیجه‌گیری

- با توجه به مطالب ترجمه شده از کتاب لوریمر درباره شوستر به نکات جالبی پی می‌بریم که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از:
۱. دولت آباد: در دوره‌ای که لوریمر از این مناطق دیدن کرده است دولت آباد (تاریخی) که از دوره صفویه توسط خاندان گرجی واخوشتی خان ساخته شده بود هنوز پابرجا بوده است. اما لوریمر دلیل نامگذاری این منطقه را نمی‌داند.
 ۲. عرب حسن، عرب اسد، ولی آباد: مناطق گفته شده در اثر لوریمر ذکر نشده است و احتمالاً بعد از این تاریخ شکل گرفته‌اند. یا اسامی دیگری داشته‌اند. البته جاده قدیم شوستر - مسجد سلیمان - بندقیر به اهواز می‌رسیده است.
 ۳. مناطق تحت حاکمیت خاندان با نفوذ شوستر: کلاً با توجه به مطالب لوریمر متوجه می‌شویم که مناطق شوستر به سه بخش کلی: الف: شوستری نشین ب: بختیاری نشین ج: عرب نشین تقسیم می‌شده است
 - سادات مرعشی و کلانتر از یک طرف، خانات بختیاری از طرف دیگر، و شیوخ قبائل عرب بر بسیاری از این روستاها و بُنه‌ها تسلط داشته‌اند. که با توجه به منطقه سکونتگاه اقوام، تسلط این حاکمان تعیین می‌شده است.
 ۴. مناطق جدا شده از نفوذ شوستر: در دوره لوریمر، مناطقی تحت سیطره و نفوذ شوستر بوده است که امروزه، جزو مناطق مسجد سلیمان، دزفول، اهواز، شوش دانیال، و... محسوب می‌شوند.

منابع

- لوریمر، ج. گ (۱۹۸۶ م). فرهنگ جغرافیایی خلیج فارس، عمان و مناطق عربی مرکزی، (بخش شوستر و میان‌آب)، ج ۱ (تاریخی)، بخش اول، بی تا: بی جا.
- ولی عرب، مسعود (۱۳۹۴). «تحولات سیاسی و اجتماعی شوستر در دوره قاجاریه»، فصلنامه علمی-تخصصی تاریخنامه خوارزمی، س ۳، زمستان. صص ۱۵۱-۱۷۲.
- _____ (زمستان ۱۳۹۵). «کتابخانه‌ها و مدارس شوستر در دوره قاجار»، فصلنامه علمی-تخصصی تاریخنامه خوارزمی، س ۴، صص ۱۷۲-۱۹۸.

_____ (آبان ۱۳۹۶). «نگاهی به تاریخ محلی شوستر از صفویه تا قاجاریه با تاکید بر نقش علما»، فصلنامه آفاق در علوم انسانی، ش ۷، صص ۱۵-۳۷.

_____ (مهر ۱۳۹۷). «علمای معاصر شوستر و جایگاه علمی و فرهنگی آن‌ها در جهان اسلام»، فصلنامه آفاق در علوم انسانی، صص ۲۱-۳۴.

